

سلام کودکانه

خندیدن غنچه‌ها

گلدان ما این روزها یک شکل دیگر شده بود. چند تا غنچه‌ی خوشگل و کوچک داشت. من هر روز وقتی به گلدان آب می‌دادم، کنار گلدان می‌نشستم و با غنچه‌ها حرف می‌زدم. با آن‌ها دوست شده بودم. فکر می‌کنم آن‌ها هم مثل من خیلی خوشحال بودند. من امروز خنده‌ی آن‌ها را دیدم.

امروز دیدم آن‌ها یکی یکی باز شدند و خندیدند. خندیدن غنچه‌ها خیلی قشنگ است.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹



مسافر کوچولو

قوچان؛ شهر قدیمی خراسان

قوچان قدیمی‌ترین شهر خراسان است و آثار باستانی و تاریخی فراوانی دارد. این شهر در ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب مشهد است و با داشتن هوای سرد و کوهستانی و باغ‌های فراوان از جمله شهرهای بیلاقی خراسان محسوب می‌شود. قوچان و مناطق اطراف آن دیدنی‌های فراوانی دارد؛ آبشار و دره سراب، موزه مردم شناسی، مسجد جامع، حسینیه حاجی کریمی، یخدان نمدمال‌ها، حمام شازده خانوم، دره شمخال و... کشاورزی، گلهداری و دام پروری از شغل‌های مردم محلی قوچان است. برای سوغات از این شهر می‌توانید از بین محصولات صنایع دستی مثل پوستین‌دوزی، چارق‌دوزی (نوعی کفش) و کمخت، دستکش پشمی، چوخه‌دوزی یا خوراکی‌هایی مثل عسل، کشمش و شیره انگور انتخاب کنید. لبنیات این شهر هم معروف است. غذاهای محلی قوچان خیلی خوشمزه است. مثلاً آش آبکش یا رشته سوزمه، قشق و اشکنه کشک.

یخدان نمدمال‌ها



آبشار دره سراب



آش آبکش



مرجان ساعدی

شعر

گرگ گرسنه

گرگه دلش شام می‌خواست
هیچی تو خونه‌اش نداشت
با دلخوری سرش رو
بالای بالش گذاشت

خوابید و توی خواب دید
یک گله پر گوسفند
گرگه پیش اونا رفت
بدو بدو، با لبخند

وقتی بیدار شد از خواب
آقا گرگه، صبح زود
لا به لای دندوناش
پشمای بالشتش بود

فرفره

صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها
روزهای زوج
«زندگی سلام»

عفت زینلی



تصویرسازی‌ها: زهره اقطاعی

شهر قصه

لباس‌های به در بخور

نگار داشت توی هال با عروسکش تلویزیون تماشا می‌کرد که مادرش با یک سبد لباس روی زمین کنار چرخ خیاطی نشست. بعد هم یکی از لباس‌ها را از سبد بیرون آورد و با قیچی بعضی از قسمت‌هایش را برید. نگار از مادرش پرسید: «مامان داری چی کار می‌کنی؟» مادرش آستین‌های لباس را برید و گفت: «دارم با لباس‌هایی که دیگه نمیشه ازشون استفاده کرد، کیسه‌ی خرید درست می‌کنم، آخه کیسه‌های پلاستیکی به محیط زیست آسیب می‌زنن». بعد هم تکه‌های لباس را با چرخ خیاطی به هم دوخت.

نگار کمی فکر کرد و با عجله به اتاقش رفت، بعد با چند لباس پیش مادرش برگشت. لباس‌ها را کنار مادرش گذاشت و گفت: «مامان این لباس‌ها برای من کوچیک شده. میشه با لباس‌های منم کیسه خرید درست کنی؟» مادرش خندید و گفت: «عزیزم



لباس‌های تو خیلی کوچیکه و اگه بعضی از قسمت‌هاشو قیچی کنم چیزی برای کیسه خرید نمی‌مونه». نگار نگاهی به لباس‌های بزرگ بابا کرد، مادرش درست می‌گفت، لباس‌های نگار خیلی کوچک بودند. مادر همان‌طور که بند کیسه را اتو می‌کشید به نگار گفت: «ولی میتونیم چیزای دیگه‌ای با لباس‌ها درست کنیم». نگار خوشحال شد و پرسید: «چه چیزی؟» مادرش به عروسک دست نگار اشاره کرد و گفت: «یک لباس برای عروسکت، بین لباسش پاره شده». نگار گفت: «آخ جون! عروسکم خیلی خوشحال میشه». مادر با یکی از لباس‌های نگار که آستین‌هایش رنگ و رو رفته شده بود، لباس زیبایی برای عروسک دوخت. نگار لباس را تن عروسک کرد، بعد هم آن را بغل کرد. هم عروسک و هم نگار کلی خوشحال بودند.

نویسنده: غزاله صفدری

هنرمند کوچولو

کوسه کاغذی

چی لازم داریم؟

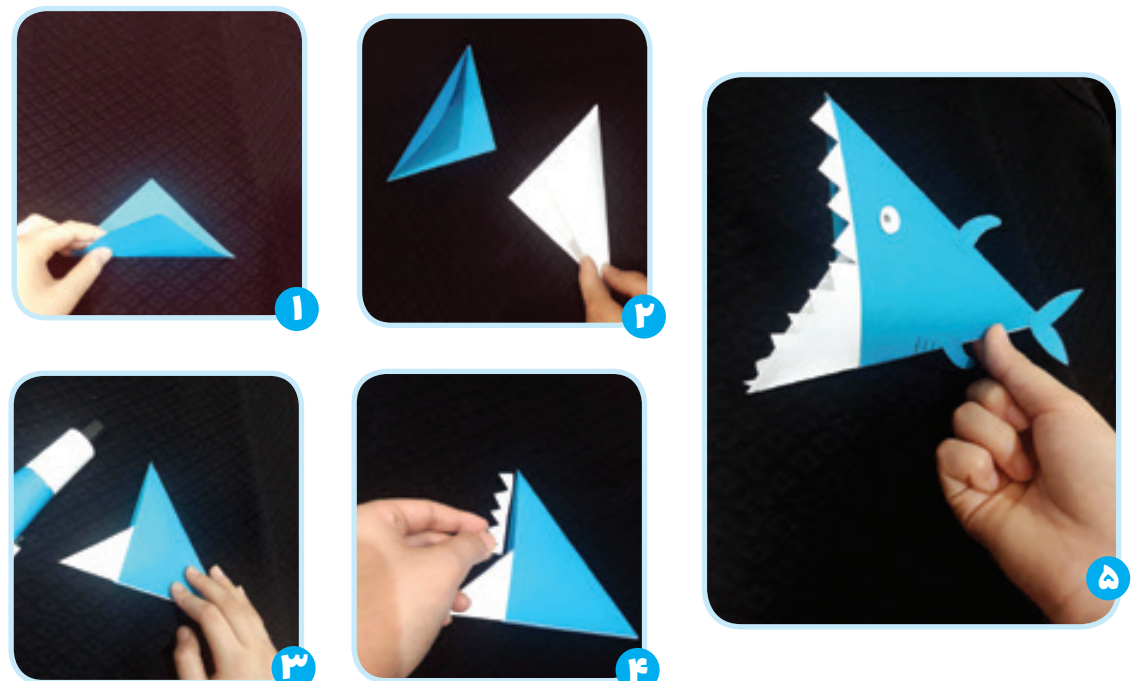
مقوای سفید و آبی، چسب و قیچی



چطوری درست کنیم؟

ابتدا دو تا مربع با مقوای سفید و آبی برش می‌زنیم. حالا به مقوای سفید چسب می‌زنیم و آن را داخل مقوای آبی قرار می‌دهیم. سپس با استفاده از مقوای سفید دوردیف دندان برای بالا و پایین دهان کوسه درست می‌کنیم و می‌چسبانیم. با اضافه کردن دو چشم، دو باله و دم، آن را کامل می‌کنیم. کوسه شما آماده شده و احتمالاً حسابی هم گرسنه است و دلش می‌خواهد یک چیز خیلی خوشمزه بخورد. شما چه فکر می‌کنید؟

سمانه تلگردی



سرگرمی

بازی ریاضی

دوستان خوبم امروز برای شما یک سرگرمی جدید داریم. اول نمونه را نگاه کنید: با رسم سه خط که از ماشین شروع شده، تمام علامت‌های احتیاط به هم وصل شده‌اند. حالا نوبت شماست، از زنبور عسل شروع کنید و با رسم شش خط تمام گل‌ها را به هم وصل کنید. توجه کنید که هر خط باید به خط بعدی متصل باشد و مانند نمونه داده شده خط‌ها از روی دایره‌ها رد شوند.

